نفت دریای خزر و تحولات عراق

شهابی، سهراب

سهراب شهابی‏ کشور آمریکا در حال حاضر 52 درصد نفت مصرفی‏ خود را از خارج وارد می‏کند و بر اساس مطالعات اداره‏ اطلاعات انرژی این کشور در 20 سال آینده این میزان با 6 میلیون بشکه افزایش در روز به 62 درصد بالغ می‏شود.

کشورهای اروپائی 52 درصد و ژاپن نیز 98 درصد نفت‏ وارداتی دارند.با تنزل تولید نفت دریای شمال،توجه‏ بیشتر کشورهای غربی و ژاپن به نفت دریای خزر معطوف شده است.به همین جهت نفت دریای خزر اهمیت پیدا کرده است.اما تحولات احتمالی عراق بر نفت‏ این منطقه چه اثری می‏تواند داشته باشد.

از زمان استقلال جمهوری‏های اتحاد جماهیر شوروی‏ سابق،موضوع ذخایر و صدور نفت و گاز این کشورها و بخصوص کشورهای ساحلی دریای خزر در صدر توجه‏ کارشناسان و مسئولین مربوط به انرژی در جهان قرار گرفت.سه کشور ساحلی دریای خزر؛قزاقستان، آذربایجان و ترکمنستان که برای رشد و توسعه اقتصادی‏ خود به شدت به منابع ارزی حاصل از فروش نفت و گاز احتیاج داشتند،اشتیاق فراوانی برای توسعه،استخراج و صدور نفت و گاز خود نشان دادند و کشورهای قزاقستان‏ و آذربایجان به سرعت از کمپانی‏های نفتی عمده جهان‏ دعوت به عمل آوردند و با آنها قرارداد امضا نمودند.

وابستگی آمریکا،اروپا و ژاپن به نفت وارداتی

امریکا نیز پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی مرتبا به گسترش نفوذ خود از راه‏های مختلف در منطقه بهره‏ می‏گرفت،با توجه به وابستگی روزافزون خود و متحدینش(اروپا و ژاپن)و همچنین نقش منطقه‏ای خود در بازار بین المللی نفت و گاز و برای اجرای سیاست‏های‏ منطقه‏ای خود(از جمله فشار به جمهوری اسلامی ایران) به موضوع نفت و گاز دریای خزر توجه ویژه‏ای را نشان‏ داد.در حال حاضر امریکا 52 درصد از نفت خام مصرفی‏ خود را وارد می‏نماید و بر اساس مطالعات اداره اطلاعات‏ انرژی امریکا،مصرف نفت در این کشور در 20 سال آینده‏ 33 درصد یا در حدود 6 میلیون بشکه در روز افزایش‏ خواهد یافت و وابستگی امریکا به نفت خام وارداتی را تا 62 درصد افزایش خواهد داد.وابستگی به نفت خام‏ وارداتی برای اروپا نیز در حال حاضر 52 درصد و ژاپن‏ 98 درصد می‏باشد،و با تنزل تولید نفت دریای شمال‏ سرعت وابستگی نفتی اروپا به خارج از منطقه خود افزایش خواهد یافت.

البته ذخایر و تولید نفت و گاز دریای خزر در سطحی‏ نیست که بتواند جوابگری تقاضاهای فعلی و آتی امریکا و اروپا باشد.بر اساس مطالعات وود مکنزی‏ (Mackenzi Wood) نفت تولید شده از دریاری خزر در سال‏ 2001 حدود 3/1 میلیون بشکه در روز تخمین زده شده که‏ البته دو برابر میزان تولید سال 1995 خواهد بود.ضمنا برآورد می‏شود که تولید این منطقه تا سال 2014 به حدود 4 میلیون بشکه در روز افزایش یابد که کمتر از نصف تولید امروزی فقط کشور عربستان سعودی می‏باشد.

سیاست‏های نفتی آمریکا در دریای خزر

بنا بر این بیشتر در توجیه سیاستهای نفتی امریکا در

قیمت پائین‏تر نفت‏ امکان تولید نفت ارزان از منابع‏ غنی نفتی عراق‏ و حضور بیشتر امریکا در خلیج فارس‏ جذابیت نفت دریای خزر را کمتر می‏نماید

دریای خزر اعلام شده به جهت تنوع‏سازی در عرضه‏ نفت خام و یک نوع ضریب اطمینان می‏باشد که حداقل‏ تا حدودی از وابستگی غرب به نفت و گاز خلیج فارس‏ کم کند،تقریبا نزدیک به همان استدلالاتی که در مورد ذخایر عظیم و پرهزینه استراتژیک نفت امریکا و دیگر کشورهای عضو (lEA) سازمان جهانی انرژی به کار گرفته می‏شود.

امریکا در سالهای اخیر حجم ذخایر استراتژیک خود را به بیش از 700 میلیون بشکه افزایش داده و کشورهای‏ عضو سازمان جهانی انرژی ذخایر استراتژیکی نزدیک به‏ 7/3 میلیارد بشکه نفت در اختیار دارند.لذا به نظر می‏رسد توجه امریکا به منابع نفت و گاز دریای خزر،اولا استخراج‏ و صدور این منابع از راههائی بجز منطقه خلیج فارس‏ باشد،ثانیا با درگیر شدن کمپانیهای نفتی امریکا در تولید و صدور نفت خام و گاز منطقه،امریکا نفوذ و موقعیت خود را در منطقه استحکام بخشد،ثالثا از طریق تولید و صدور نفت و گاز به اقتصاد کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز و دیگر متحدانش مانند ترکیه در منطقه از نظر اقتصادی‏ کمک نماید و از نفوذ و بهره‏برداری اقتصادی کشورهائی‏ که در راستای سیاستهای جهانی امریکا حرکت نمی‏نمایند جلوگیری کند.

حمله امریکا و بازگشت عراق به سیستم جهانی

تحولات عراق موقعیت این کشور را تغییر داده است و به نظر می‏رسد ه عراق را به سیستم جهانی بازگرداند.

این موقعیت جدید بدون شک در بازار بین المللی نفت‏ تاثیرات مهمی به جای خواهد گذاشت،کارشناسان نفتی‏ بین المللی پیش‏بینی می‏کنند یکی از اولین تاثیرات،کاهش‏ قیمت نفت است؛بطوری که از قیمت هر بشکه نفت که بر اثر اخبار جنگ عراق و ناآرامی‏های فلسطین اشغالی به 30 دلار هم رسیده بود،حدود 8 دلار کاسته می‏شود.بنا بر این‏ انتظار می‏رود که قیمت نفت به حدود 22 یا حتی 20 دلار برای هر بشکه تنزل نماید.البته این قیمتی است که نفت‏ در بلند مدت و پس از نوسانات کنونی که تحت تاثیر عوامل‏ دیگری است،به سمت آن میل خواهد نمود؛بخصوص از هنگامی که تولید عراق به صورت قابل اتکا وارد بازار شود. باید توجه داشت که عراق دومین ذخایر عمده نفتی جهان‏ را در اختیار دارد و بعد از دو دهه جنگ و مشکلات عمده‏ بین المللی و تحریم،احتیاج به بازسازی فوری خود خواهد داشت و بطور قطع به تولید و صدور نفت خود سرعت خواهد بخشید زیرا بر اساس نظر کارشناسان‏ بین المللی،این کشور قادر خواهد بود که در مدتی کمتر از یکسال تولید خود را به 2 میلیون بشکه در روز و در کمتر از دو سال به دو برابر مقدار فوق افزایش دهد.به عبارتی‏ در مدتی کمتر از دو سال عراق به تنهائی قادر خواهد بود نفتی بیش از کل نفت تولیدی قابل انتظار در سال 2014 دریای خزر تولید کند.

قیمت پائین‏تر نفت،امکان تولید نفت ارزان از منابع غنی‏ نفتی عراق و حضور بیشتر امریکا در خلیج فارس،جذابیت‏ نفت دریای خزر را بخصوص از وجه اقتصادی از آنچه‏ امروز نیز هست کمتر می‏نماید.به طوری که پیش‏بینی‏ می‏شود هزینه تولید و صدور نفت دریای خزر حدود 16 دلار برای هر بشکه خواهد بود لذا جذابیت‏ اقتصادی خطوط لوله‏ای مانند باکو-جیحان را که همواره‏ مورد تردید بوده بیشتر زیر سئوال خواهد برد.البته‏ همانطور که در بالا اشاره شد درگیری امریکا در نفت‏ دریای خزر بیشتر از عوامل دیگر تأثیر گرفته است و لذا تا زمانی که آن عوامل دیگر تاثیر گرفته است و لذا تا زمانی که آن عوامل وجود داشته باشند سیاستهای‏ نفتی امریکا در دریای خزر ادامه می‏یابد ولکن جذابیت‏ کمتر اقتصادی از تاکید،توجه و سرعت آن خواهد کاست.